



با شاعران سفرهای متعددی را به مناطق جنوب داشتیم. در این سفرها سعی داشتیم که با حضور و شعر خوانی مان فضای جبهه ها را تغییر داده و به رزمندگان روحیه دهیم. حضور ما تأثیرات جالبی داشت. علاوه بر این، همین حضور باعث می شد تا بارقه های تولد یک شعر جدید در ذهن شاعران شکل بگیرد.

در این سفرها دوستان زیادی با بنده بودند، مانند قیصر امین پور، سید حسن حسینی، حسین اسرافیلی و... اتفاقات جالبی در این سفرها رخ می داد که همگی آن ها به خاطره مبدل شده است. برخی از این خاطرات تلخ است، مانند حصر آبادان و سقوط خرمشهر. دیدن شهری با آن آبادانی در دست دشمن برای همه ما سنگین بود.

وقتی خرمشهر فرو ریخته را در دست دشمن می دیدیم، برایمان دشوار بود. وقتی هم که دوباره خرمشهر به کشور بازگشت، شعر «یاران چه غریبانه» را سرودم. تا هشت سالگی در آبادان بودم با خاطره های بسیار؛ با خاطره های بسیاری که گم نشدند، هنوز زنده اند، ۲۰ سال بعد، ۱۳۶۰ به آبادان و خرمشهر می رفتم. خرمشهر در دست دشمن بود و از محله «کوت شیخ» به آن می نگریدم و می گریستم، این شعر همان جا جرقه اش خورد. خبر آزادسازی شهر را در تهران شنیدم. احساس کردم زیر پوستم هزاران نور روشن کرده اند. حس و حال عجیبی داشتم، اما سرودن «غریبانه» قبل از این ها بود، بعد از برگشتن از خرمشهر و بعد از عارض شدن تبی شدید؛ در اوج تب، به «یاران چه غریبانه» رفتند از این خانه» رسیدم و در عرض چند ساعت، شعر کامل شد. یک هفته بعد بچه ها عازم خرمشهر شدند و من هم سخت بیمار بودم. وحید امیری وقتی از جبهه خرمشهر برگشت، خبر آورد که این شعر در تمام جبهه دهان به دهان می گردد و همه جا را پر کرده است. اولین بار آقای سلحشور آن را اجرا کرد. بعد حسام الدین سراج آن را همراه با موسیقی خواند. بعد آقای کویتی پور اجراش کرد. بعد حاج صادق آهنگران خواندند و همین طور بر تعداد این خوانندگان اضافه شد. در چند فیلم سینمایی خوانده شد. در چند نمایشنامه اجرا شد و...

باتوجه به این که زمانی از پیروزی انقلاب اسلامی نگذشت، جنگ شروع شد برخی معتقدند جنگ باعث شد، ما ادبیات انقلاب نداشته باشیم. در واقع فرصتی برای خلق آثار ادبی درباره انقلاب فراهم نشد و شعر و ادبیات جنگ و دفاع مقدس ظهور کرد، آیا شما با این نظر موافقت؟

نه، من معتقدم دفاع مقدس انقلاب را اندام بخشید. در واقع شعر دفاع مقدس از مولفه های اصلی شعر انقلاب است و از آن جداییست.

ولی به هر حال ادبیاتی که «انقلاب» موضوع آن باشد غربی واقع شد.

ببینید مهم این است که انقلاب اثرش را در ادبیات و شعر گذاشت و از آن جمله است تغییر و خلق واژگان جدید که بسامد طولانی هم داشت. شعر انقلاب برخی از مرزها را در نور دید و موضوعاتی مثل شعر فلسطین مطرح شد. شعر درباره سایر مقاومت های جهان مثل بوسنی جای خود را در شعر فارسی باز کرد. از طرف دیگر به ادبیات عاشورایی و آیینی گسترده تر پرداخته شد. در حقیقت همه این ها دلالت دارد بر این که شعر دفاع مقدس با ادبیات و شعر انقلاب نسبت تنگاتنگ پیدا می کند.

من کتابی دارم با عنوان «ارغوانی ها» که فرهنگ توصیفی شهید در شعر امروز است. ما واژگانی مثل کبوتر و گل را فراوان می بینیم و من موفق شدم چهار هزار و دویست مورد آن را جست و جو کنم و این یعنی اینکه واژگان کاربرد جدید پیدا کرده است.

اگر بخواهیم در یک بررسی زمانی و دوره ای شعر دفاع مقدس را واکاوی کنیم هم به لحاظ فرم یا محتوا، چه به لحاظ گروه های سنی شاعران، چه به لحاظ زبانی و واژگان،

چه مشخصه هایی را می توان دنبال کرد که بدانیم شعر دفاع مقدس در گذر زمان دارای چه ویژگی هایی بوده است و احتمالاً برخی از این مشخصه را به عنوان مولفه های سبکی در نظر گرفت.

در واقع در پرسش شما ده - دوازده پرسش نهفته است ولی به دلیل وجوه اشتراکی که در آن ها بود در قالب یک پرسش ریخته شد. به نظر من شعر دفاع مقدس و شعر انقلاب دقیقاً با آن چه در اطراف اتفاق می افتاد تطبیق عینی داشت. به طوری که اگر در دوره اول انقلاب ما دچار شتابزدگی بودیم قطعاً این شتابزدگی را در شعر می بینیم و این نشان دهنده اصالت آن شعر است. شعر و واقعیت مثل دو مسیر موازی هستند که لکوموتیو انقلاب روی آن ریل حرکت می کند و آن دو در موازات هم حرکت می کنند. پس ما این شتابزدگی شعر در ابتدای انقلاب را باید به این حساب بگذاریم و این یک امتیاز است. وقتی کمی نیروهای ما به خود آمدند و جامعه یک شکل مطلوب تر و آرام تر گرفت، بازتاب آن را در شعر هم شاهد بودیم.

به طوری که شعر از شعار دور شد و مبتنی بر شعور شد و در جایگاه واقعی خود قرار گرفت. این اتفاق در اواخر سال ۶۰ به بعد خودش را نشان داد و آرام قوام یافت تا پایان جنگ که به دلیل حضور شاعران در جنگ، تصاویر کاملاً عینی و واقعی است. ضمن